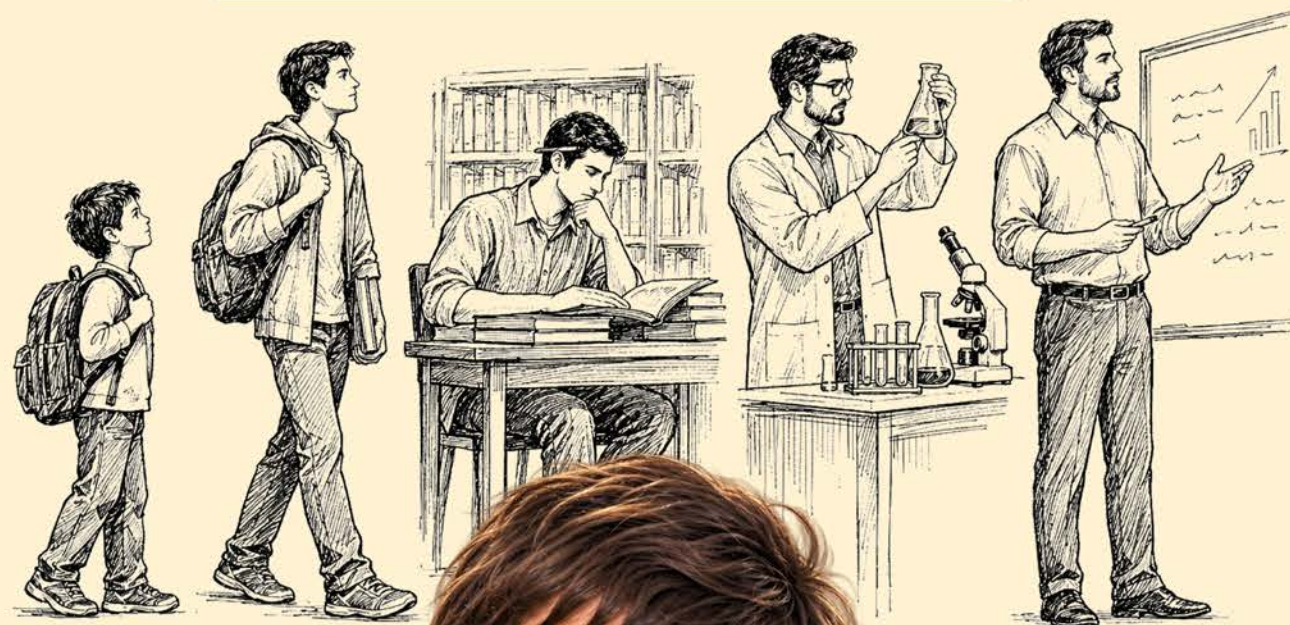




از یک تولد
تا یک تحول



• آیا از این حمایت قانونی خبر داشتید؟

بر اساس بند ۲۶ ماده ۱ قانون جوانی جمعیت، کلیه مؤسسات آموزش عالی موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و مراکز حوزوی مکلفند با تقاضای طلاب و دانشجویان مادر باردار یا دارای فرزند زیر سه سال جهت آموزش مجازی یا غیر حضوری برای گذراندن واحدهای دروس نظری دوره تحصیل موافقت نمایند.

۱. دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌ها و پارک‌های علم و فناوری که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند.



امید آینده | نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده | سال چهارم شماره ۲۵ | مهر ۱۴۰۵



ارتباط با ما: @omid_ayande

اسکن کنید و به صفحه ما در اینستا پیوندید



شما کنشگران حوزه جمعیت می‌توانید خاطرات یا اخبار فعالیت‌های خود را برای ما ارسال کنید.

امیدآینده

نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده

تحریریه: جمعی از پژوهشگران حوزه جمعیت

سرمدییر: محمد هادی یعسوبی

دبیر اجرایی: محمد کاظم ابوترابی زارچی

ویراستار: جواد حجت

طراح و صفحه آرا: حسین پور عسگری

نوبت چاپ: اول / شماره ۲۵ / مهر ۱۴۰۵

موضوع این شماره: از یک تولد تا یک تحول

نوع انتشار: دیجیتال

ارتباط با ما: کانال امیدآینده در ایتا / @omide_ayande

در حادثه **مدرسه میناب**، آنچه از دست رفت فقط چند صندلی در یک کلاس نبود؛ زندگی کودکانی بود که خانواده‌هایشان چشم انتظار آینده آنها بودند. کودکانی که می‌توانستند سال‌ها بعد، هر کدام در مسیر خود بدرخشند؛ یکی با دانش خود به کمک انسان‌ها بیاید، دیگری چیزی تازه خلق کند، و دیگری چراغ راه نسل‌های بعدی شود.

از دست دادن یک کودک، فقط پایان یک زندگی نیست؛ پایان بخشی از آرزوهایی است که پدر و مادرها برای فرزندشان در دل پرورش داده بودند. آرزوهایی که شاید سال‌ها برای رسیدن به آن تلاش کرده بودند و حالا ناتمام مانده است.

هیچ کس نمی‌داند در میان آن چهره‌های معصوم، چه استعدادهایی پنهان بود؛ شاید کودکی که می‌توانست **پزشکی دلسوز**، **مهندسی خلاق**، **معلمی اثرگذار** یا **دانشمندی بزرگ** شود.

دشمن فقط چند دانش‌آموز را از خانواده‌هایشان نگرفت؛ او لبخندهایی را خاموش کرد که می‌توانست سال‌ها ادامه داشته باشد و آینده‌هایی را متوقف کرد که در دل خانواده‌ها شکل گرفته بود. کودکانی که قرار بود بزرگ شوند، تجربه کنند، یاد بگیرند و سهم خود را در ساختن فردای ایران داشته باشند. یاد دانش‌آموزان مدرسه میناب، به ما یادآوری می‌کند که هیچ کودکی معمولی نیست؛ هر کودک، بخشی از سرمایه علمی یک ملت و امیدی برای سال‌های پیش روست.

آغاز سال تحصیلی امسال، باید فرصتی باشد برای بیشتر دیدن کودکان؛ برای فهمیدن اینکه پشت هر کیف مدرسه، هر نیمکت و هر نگاه کودکانه، آینده‌ای قرار دارد که ارزش مراقبت، حمایت و ساختن دارد.

• نسلی که فرصت دانشمند شدن پیدا نکرد

آغاز سال تحصیلی، برای بسیاری از کودکان و خانواده‌هایشان شروعی برای مسیر یادگیری و ساختن آینده است؛ مسیری که هر کودک در آن با استعدادها، علاقه‌ها و رؤیاهای خودش قدم می‌گذارد. زیرا هر دانش‌آموز، پیش از آنکه یک نام در فهرست مدرسه باشد، فرزندی عزیز برای خانواده‌ای است که هزاران امید برای فردای او دارد.

اما امسال، آغاز سال تحصیلی برای بعضی از خانواده‌ها شبیه هیچ سال دیگری نیست؛ برای پدر و مادری که قرار بود فرزندشان را با کیف و لباس مدرسه بدرقه کنند، اما امروز از نگاه‌های مشتاق و قدم‌های کوچک او، تنها خاطره‌ای باقی مانده است.

امسال در پشت بسیاری از نیمکت‌های خالی، یک خانواده داغدار نشسته است؛ خانواده‌ای که نه فقط یک فرزند، بلکه بخشی از امیدها، برنامه‌ها و رؤیاهایش را از دست داده است. کودکی که قرار بود بزرگ شود، درس بخواند، آرزوهایش را دنبال کند و روزی ثمره تلاش‌های امروز خود را ببیند.



نرخ جمعیت؛ پشتوانه تپنده نبض علم

تأثیر تحولات جمعیتی بر آینده علمی کشور

با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، ان شاءالله طی روزهای آینده شاهد آغاز دوباره جنبش علمی کشور خواهیم بود. بازگشایی مراکز آموزشی و علمی، فضای علمی کشور را بار دیگر رونق می‌بخشد و امید است مسیر علمی کشور همچنان رو به جلو حرکت کند.

اما در این میان، یک سؤال مهم مطرح می‌شود؛ اینکه اساساً میان تحولات جمعیتی، تغییر شاخص‌های جمعیتی کشور، روند رشد علمی و تحصیلی، جریان‌های علمی و نظام آموزشی چه میزان ارتباط معناداری وجود دارد؟

برای بررسی این موضوع، ابتدا باید به روند کاهش تعداد تولدها در کشور توجه کرد. این مسئله در ادامه روندی قرار دارد که از دهه‌های گذشته با کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری آغاز شده است. از سال ۱۳۹۴ به بعد، تعداد تولدهای سالانه کشور به شکل محسوسی وارد روند کاهشی شده و طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴، یعنی در یک دهه، حدود ۶۰۰ هزار تولد سالانه کاهش یافته است؛ عددی که از منظر جمعیتی بسیار قابل توجه است.

هم‌زمان با این روند، از سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ نیز کاهش معنادار تعداد دانش‌آموزان ورودی پایه اول ابتدایی آغاز شده است. طبیعی است که کاهش تعداد تولدها، با چند سال فاصله، به کاهش تعداد کودکان ورودی به دبستان منجر شود. از آنجا که از سال ۱۴۰۱ به بعد هر سال شاهد کاهش ورودی‌های دبستان و تعداد کلاس‌اولی‌ها هستیم، این روند در ادامه به کاهش تعداد کل دانش‌آموزان و پس از آن کاهش تعداد دانشجویان منجر خواهد شد. تغییرات سبک زندگی نیز می‌تواند این روند را تشدید کند. حال پرسش این است که با کاهش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

طبیعتاً میزان تولیدات علمی، خلاقیت، فناوری، نوآوری، اختراعات، کشفیات و محصولات علمی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. وقتی تعداد دانش‌آموزان، دانشجویان و در نهایت فارغ‌التحصیلان کاهش پیدا کند، خروجی‌های علمی کشور نیز با کاهش مواجه خواهد شد. در سال‌های گذشته نیز کاهش تعداد دانشجویان، به‌ویژه پس از عبور نسل دهه شصتی‌ها از سنین دانشگاهی، به شکل معناداری بر تولیدات علمی کشور اثر گذاشت.

در دنیای امروز، کاهش شاخص‌های جمعیتی مانند نرخ رشد جمعیت، نرخ باروری و تعداد مولید، در کنار افزایش سالخوردگی جمعیت، می‌تواند بر تولیدات علمی، خلاقیت، فناوری و نوآوری اثرگذار باشد.

برای نمونه، کشورهای غربی و کشورهای عضو G۷، یعنی هفت کشور صنعتی و توسعه‌یافته جهان، در دوره‌ای به رشد، توسعه اقتصادی و جایگاه علمی و فناوری دست یافتند که از نرخ رشد جمعیت مناسب و نیروی انسانی جوان برخوردار بودند. این کشورها علاوه بر استفاده از ظرفیت جمعیت داخلی، از نیروی انسانی مهاجر نیز بهره‌گرفتند و با تکیه بر نیروی جوان توانستند رشد صنعتی، علمی و فناوری قابل توجهی ایجاد کنند.

اما با کاهش شاخص‌های جمعیتی و حرکت این کشورها به سمت سالخوردگی جمعیت، در برخی از آن‌ها روند کاهش تولیدات علمی و فناوری، کاهش خلاقیت و همچنین کاهش توان رقابت صنعتی و اقتصادی آغاز شد. کشورهایی مانند آلمان، فرانسه، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا با چالش‌هایی در زمینه تولیدات علمی و رقابت‌های علمی، صنعتی و اقتصادی مواجه هستند؛ موضوعی که کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری، در کنار افزایش سالمندی، از عوامل مهم آن به شمار می‌رود.

ژاپن نیز نمونه دیگری از این وضعیت است. این کشور یکی از سالمندترین جوامع جهان محسوب می‌شود و با چالش‌هایی مانند کاهش نیروی کار، کاهش رشد اقتصادی و دشواری در حفظ جایگاه رقابتی خود در عرصه‌های علمی، فناوری و اقتصادی مواجه است. به عبارتی، سالمندی جمعیت و کاهش نیروی انسانی فعال، از عواملی است که بر شتاب رشد اقتصادی و علمی این کشور اثر گذاشته است.

در مقابل، گروهی از کشورها تحت عنوان E۷، یعنی اقتصادهای نوظهور جهان، قرار دارند. کشورهایی مانند چین، هند، اندونزی، برزیل، ترکیه، مکزیک و پاکستان، از جمله کشورهایی هستند که از نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری مناسب‌تر و نیروی کار جوان بیشتری برخوردارند.

در این کشورها علاوه بر رشد اقتصادی، شاهد سطح بالایی از فعالیت‌های علمی، فناوری، خلاقیت، ابتکارات و اختراعات هستیم. بر اساس برخی گزارش‌های اقتصادی بین‌المللی، کشورهای E۷ در رقابت‌های اقتصادی، صنعتی و علمی در حال افزایش سهم خود در برابر کشورهای G۷ هستند و پیش‌بینی شده است سهم اقتصادی آن‌ها در اقتصاد جهانی در آینده افزایش یابد. این روند تا حد زیادی به جمعیت جوان، تعداد بالای مولید و وجود نیروی انسانی فعال در این کشورها مرتبط است.

بنابراین، هم گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و هم تجربیات موجود در جهان، اهمیت ارتباط میان جمعیت و قدرت علمی، اقتصادی و فناوریانه کشورها را نشان می‌دهد.

آنچه امروز در داخل کشور نیز در حال شکل‌گیری است، نشان می‌دهد برای حفظ قدرت علمی، اقتصادی، صنعتی و جایگاه فناوریانه کشور، باید به سیاست‌های جمعیتی توجه ویژه داشت. اگر نسبت به تحولات جمعیتی و کاهش شاخص‌های جمعیتی بی‌توجه باشیم، در سال‌های آینده با آسیب‌های جدی‌تری در حوزه‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و فناوری مواجه خواهیم شد.

زیرا آینده علمی و فناوریانه هر کشور، بیش از هر چیز به سرمایه انسانی آن کشور وابسته است و حفظ این سرمایه انسانی، نیازمند نگاه دقیق و آینده‌نگرانه به مسئله جمعیت است.



نسل جوان، باعث قوت کشور است

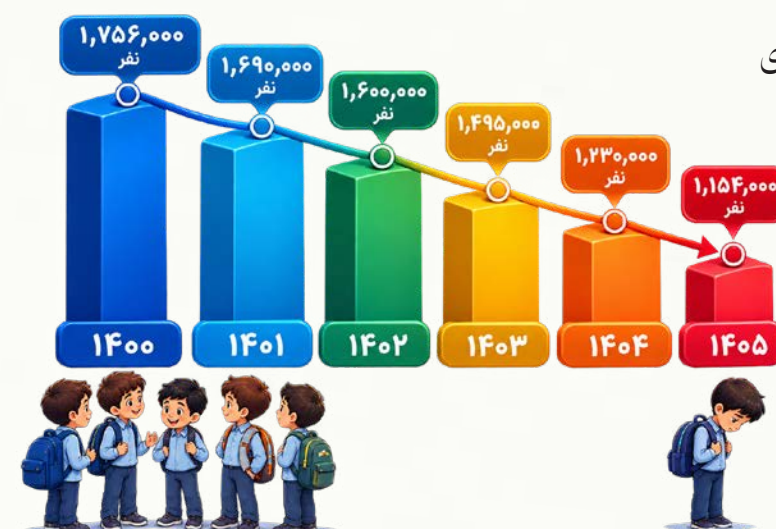
کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدفهای ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن میفرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه میتوانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله‌ی اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهر ا خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید. فرض کنید **امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوت است**؛ اینکه بنده زیاد روی موالید تکیه میکنم، به خاطر این است. کشور ما امروز کشور جوانی است؛ اگر چنانچه موالید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند - که الان به قدر کافی نیست - چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد. آن وقت کشوری که در آن جوان کم است، پیشرفتش [هم] کم است. **یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریت جوان در جامعه است**



۳ فروردین ۱۳۹۹
سخنرانی نوروزی
خطاب به ملت ایران

اعداد نگران کننده

«تعداد نوآموزان در هر سال تحصیلی (ورودی های کلاس اول ابتدایی)



- « سال ۱۴۰۵: یک میلیون و ۱۵۴ هزار نفر
- « سال ۱۴۰۴: یک میلیون و ۲۳۰ هزار نفر
- « سال ۱۴۰۳: یک میلیون و ۴۹۵ هزار نفر
- « سال ۱۴۰۲: یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر
- « سال ۱۴۰۱: یک میلیون و ۶۹۰ هزار نفر
- « سال ۱۴۰۰: ۱ میلیون و ۷۵۶ هزار نفر

کدام آینده را می‌خواهیم!؟

این فقط یک تصویر نیست،
بازتاب تصمیم هایی است که امروز می‌گیریم



شاید این سوال شما هم باشد

• آیا آغاز مادری، پایان مسیر تحصیل است؟

یکی از مهم ترین موانع ازدواج و [فرزندآوری]، تحصیلات (خصوصاً تحصیلات زنان) است. امروز تحصیل به یکی از فرآیندهای فرهنگی و عناصر هویت بخش برای جامعه تبدیل شده است. اگر سرمایه های جامعه را در چند بخش ببینیم (مثل سرمایه مادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی و...) یکی از عناصر مهم در هر جامعه، سرمایه ی فرهنگی است. یکی از سرمایه های فرهنگی، تحصیلات است و افراد احساس می کنند که باید آن را داشته باشند؛ بنابراین چه زن و چه مرد تصور می کنند باید تحصیل کنند. از این جهت عده ی زیادی به دانشگاه می روند تا از این سرمایه ی فرهنگی و اجتماعی بی بهره نباشند. اگر به آمار دانشجویان دقت کنیم، خواهیم دید هر ساله تعداد خانم هایی که وارد دانشگاه می شوند بیشتر از آقایان است. گاهی بیش از هفتاد درصد از صندلی دانشگاه ها توسط بانوان پر شده است. باتوجه به آمار تحصیل بانوان، این سوال مطرح می شود که به جهت ضرورت افزایش جمعیت، آیا تحصیل بانوان کار غلطی است و باید از آن منع شوند؟ پاسخ قطعاً منفی است.

بعضی خانم ها برای از دست ندادن تحصیلات (به عنوان سرمایه فرهنگی) قید فرزندآوری را می زنند. ما معتقدیم که بین تحصیل و فرزندآوری تعارضی وجود ندارد؛ یعنی می توان به سطح فرهنگی خوبی دست یافت و فرزند هم داشت. اتفاقاً اگر این دو در کنار هم باشند، هر چند ساعات تحصیل افراد به لحاظ کمی کاهش می یابد؛ اما به جهت کیفیت بهتر و با بازدهی بیشتر خواهد بود. علت آن این است که انسان متاهل هم آرامش دارد و هم نیاز عاطفی اش برآورده شده است. چنین کسی باتوجه به احساس مسئولیتی که دارد (و زمانی که باید به فرزند و همسرش اختصاص دهد)، تلاش بیشتری می کند تا از ظرفیت های زمانی و فرصت های خود برای تحصیل بیشترین استفاده را ببرد. در این میان راهکارهایی برای ازدواج هم زمان با تحصیل وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود.

یکی از این راه ها افزایش فاصله ی بین عقد و عروسی است. یعنی عقد انجام شود تا تب و تاب های جنسی برطرف شده و فرد به آرامش برسد و توجه و فرصت بیشتری برای تحصیل پیدا کند.

راهکار دوم، عدم هم زمانی ازدواج و فرزندآوری با مقاطع حساس تحصیلی است؛ یعنی زمان ازدواج را هنگام کنکور (امتحانات) قرار ندهیم. یا فرزندآوری را در دوره ای قرار دهیم که فراغت تحصیلی و فرصت بیشتری برای زن وجود دارد. همچنین زمان عروسی بعد از گذشت یکی دو ترم از تحصیل دانشگاه باشد تا پایه های تحصیلی خانم محکم شده و احتمال ترک تحصیل نداشته باشد.

راهکار سوم، همراهی و مشارکت همسر در کارهاست. بعد از ازدواج و خصوصاً در فرزندآوری نقش خانم بیشتر میشود؛ بنابراین مرد باید در کارهای خانه همراهی و مشارکت داشته باشد و بخشی از فعالیت ها را بر عهده بگیرد تا خانم بتواند در کنار ایفای نقش مادری، به موضوع تحصیل هم بپردازد. حمایت والدین هم در این زمینه موثر است. آن ها می توانند به لحاظ فرزند پروری و تامین مالی و... به فرزندانشان کمک کنند و باری از دوش آن ها بردارند.

البته این کار به نفع خودشان هم هست؛ چرا که گاهی تصور می کنند در جایگاه پدر بزرگ و مادر بزرگ کاری نیست که انجام دهند و از حیز انتفاع ساقط شده اند؛ اما این همراهی، حس مشارکت و منشا اثر بودن را در آن ها زنده می کند و امید به زندگی را در آن افزایش می دهد. این بدان معنا نیست که کل بار بر دوش والدین جوانان باشد؛ بلکه باید یک تکافل اجتماعی، در خانواده ایجاد شود. پس در ازدواج، دوران بارداری و فرزندپروری، والدین می توانند نقش آفرین و موثر باشند.

راهکار چهارم استفاده از ظرفیت تحصیلات غیر حضوری است. بسیاری از دانشگاه ها غیر حضوری یا نیمه حضوری هستند و بسیاری از خدمات را آنلاین ارائه می دهند. این امکان شرایطی را فراهم می کند که حداقل برای برخی ترم ها، خانم ها بتوانند درس بخوانند و هم به ایفای نقش مادری و همسری خود برسند. بنابراین با راهکارهای اشاره شده می توان به گونه ای مدیریت کرد که ازدواج و فرزندآوری در کنار کسب سرمایه فرهنگی صورت گیرد

برشی از کتاب دو و نیم / درسنامه تربیت کنشگر جمعیت

معرفی کتاب

• کتاب نغمه مادری، اثر زهرانجاتی، انتشارات گنجینه مهر ماندگار



این کتاب با هدف ترویج هویت زن اسلامی و چندفرزندی، از سوی انتشارات میراث ماندگار، به چاپ رسید

فصل اول شامل یادداشت های مادرانه است که تجربیات روزمره مادران را روایت می کند. این یادداشت ها بازتابی از دغدغه ها و چالش های مادران در زندگی روزمره از جمله تعارضات بین تحصیل و ازدواج و مادری است.

فصل دوم به ارتباط مناسبت های مختلف دینی با نقش مادری می پردازد و چگونه تأثیر این مناسبت ها بر تجربه مادری را بررسی می کند.

فصل سوم موضوع سواد رسانه و ارتباط آن با مادری را مورد توجه قرار می دهد و به نقش رسانه ها در شکل گیری تصویر مادری می پردازد.

فصل چهارم مجموعه ای از داستان های واقعی از نگاه مادران است. این داستان ها تجربیات متنوع مادران را در موقعیت های مختلف زندگی روایت می کند.

متن کتاب با زبانی روان نوشته شده و از منابع اسلامی و یافته های علمی برای پشتیبانی از مطالب استفاده کرده است. کتاب تلاش می کند باتوجه به جنبه های مذهبی و فرهنگی، شرایط مادری در جامعه ایرانی را بررسی کند.

۲۴ مهر: روز میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار گرامی باد

مصاحبه اختصاصی نشریه امیدآینده با سرکار خانم ندا سلیمی، پرستار ناجی نوزادان در بیمارستان خاتم الانبیا (ص)



روایتی از زنی که در تاریکی جنگ، چراغ سه زندگی را روشن نگه داشت

در روز دهم اسفند سال ۱۴۰۴، در جریان حملات آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان، صدای انفجار که در بیمارستان خاتم الانبیا پیچید، برای بسیاری لحظه‌ای از ترس و آشفتگی بود؛ اما برای ندا سلیمی، پرستار بخش نوزادان، یک معنا داشت: سه جان کوچک که تنها ساعتی از تولدشان گذشته بود، به او سپرده شده بودند. در روزی که آتش جنگ بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها، از مردم عادی تا کودکان و نوزادان را تهدید می‌کرد، آرامش بیمارستان برهم خورد و بیماران و کادر درمان با لحظاتی هولناک روبه‌رو شدند. در آن میان، سه نوزاد بی‌پناه تنها به دستان پرستاری پناه آورده بودند که فرصت فکر کردن به خطر را نداشت. ندا سلیمی سراسیمه به سوی تخت‌های کوچک دوید، سه نوزاد را در آغوش گرفت و از اتاق خارج کرد تا آنان را از موج انفجار دور کند؛ تصویری که معنای واقعی پرستاری را به نمایش گذاشت: حفظ جان، پاسداری از امید و مراقبت از نسلی که تازه چشم به جهان گشوده بود. آن روز، در برابر تصویر ویرانی جنگ، تصویر دیگری ثبت شد: تصویر زنی که به جای عقب‌نشینی، به سمت زندگی دوید و اجازه نداد سایه ترس و ویرانی، فرصت ادامه زندگی را از آن سه نوزاد بگیرد. ندا سلیمی نه با سلاح، بلکه با دستانی که سال‌ها برای نجات بیماران آموزش دیده بود، مقابل مرگ ایستاد تا سه نوزاد، سه خانواده و سه آینده، فرصت ادامه پیدا کنند.

در ادامه گفتگو با سرکار خانم ندا سلیمی را می‌خوانید:

در لحظه‌ای که خطر را احساس کردید، چه چیزی باعث شد به جای فکر کردن به امنیت خودتان، به سمت نوزادان بروید؟

• در آن ثانیه‌های بحرانی، وقتی صدای انفجار، غبار و شرایط اضطراری حاکم شده بود، دیگر فرصتی برای فکر کردن به خودم و اینکه چه خطری من را تهدید می‌کند، وجود نداشت. ذهن آدم در چنین لحظه‌ای وارد محاسبه سود و زیان یا حفظ جان شخصی نمی‌شود. من اصلاً به این فکر نکردم که «ندا سلیمی» هستم و ممکن است جان خودم در خطر باشد؛ تمام وجودم متوجه نوزادهایی بود که در آن بخش، بی‌دفاع‌ترین موجودات بودند.

می‌دانستم اگر همان چند ثانیه را از دست بدهم و اقدامی نکنم، ممکن است موج انفجار یا آوار به آنها آسیب بزند. زیرا رابطه‌ای که بین پرستار و نوزاد، به خصوص در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان (NICU)، شکل می‌گیرد، فقط یک رابطه کاری و اداری نیست؛ این ارتباط با تمام وجود آدم گره می‌خورد.

بعد از پایان حادثه و وقتی متوجه شدید نوزادان زنده مانده‌اند، اولین چیزی که از ذهن‌تان گذشت چه بود؟

• اولش واقعه در شوک بودم. بعد از آن همه اضطراب و لحظات سخت، وقتی فهمیدم نوزادها سالم مانده‌اند، یک حس آرامش عمیق و یک شکرگزاری وصف‌نشدنی وجودم را گرفت. در میان آن همه صدای انفجار، گرد و غبار وقتی صدای نفس کشیدن آن نوزادها را می‌شنیدم، فقط خدا را شکر می‌کردم.

آن لحظه احساس می‌کردم خداوند به ما اجازه داده است که وسیله نجات این نوزادها باشیم. البته در دل آن بحران، سه لحظه بسیار شیرین و فراموش‌نشدنی برای ما رقم خورد؛ وقتی نوزادها را به مادرانشان رساندم، صحنه‌ای را دیدم که هیچ‌وقت از ذهنم پاک نمی‌شود. مادرهایی که روی تخت بودند، با چشمانی پر از اشک، نوزادهایشان را در آغوش می‌گرفتند و نوزادها هم گریه می‌کردند و دوباره به آغوش مادرشان برمی‌گشتند. همان لحظه‌هایی که یک مادر و فرزند بعد از آن همه اضطراب دوباره به هم می‌رسیدند، برای من یک حس وصف‌نشدنی داشت.

یک نوزادی که تازه متولد

شده، هنوز نقشی در جامعه ندارد؛ اما شما جان خودتان را به خطر انداختید. به نظر شما آن ارزش از کجا می‌آید؟

• به نظر من، یک نوزادی که متولد می‌شود، خودش یک ظرفیت بسیار قوی و بی‌نهایت از حیات را در وجودش دارد؛ حیات که از همان لحظه نخست آغاز می‌شود و جریان پیدا می‌کند.

هر نوزادی که به دنیا می‌آید، فقط یک فرد کوچک نیست؛ حامل فرهنگ، آینده یک خانواده و حتی بخشی از آینده یک تمدن است. وقتی ما به چهره‌های معصوم این نوزادان نگاه می‌کنیم، در حقیقت آینده‌ای را می‌بینیم که هنوز شکل نگرفته، اما در وجود آنها نهفته است.

به همین دلیل، محافظت از این نوزادها، فقط مراقبت از چند ساعت یا چند روز ابتدایی زندگی یک انسان نیست؛ به نظر من، محافظت از آنها یعنی محافظت از خود انسانیت و بشریت.

چه پیامی دارید برای جوانانی که مردد هستند در زمینه فرزندآوری؟

• من به عنوان کسی که هر روز شاهد تولد و آغاز یک زندگی جدید هستم، نگرانی جوان‌ها را درباره دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی درک می‌کنم. این دغدغه‌ها واقعی هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. اما معتقدم گفتمان امروز جامعه، گاهی بیش از اندازه فرزند را در ترازوی هزینه‌ها و محدودیت‌ها می‌سنجد و کمتر از زاویه امید، نشاط و امتداد وجودی به آن نگاه می‌کند. به نظر من، کودک یک هزینه نیست؛ یک سرمایه عاطفی است. فرزند می‌تواند مایه پویایی خانواده باشد و زندگی را با معنایی عمیق‌تر همراه کند. فرزندآوری پایان آسایش لحظه‌ای نیست؛ بلکه آغاز تجربه‌ای متفاوت و عمیق‌تر برای زیستن است. در دنیایی که پر از چالش و نگرانی است، به نظر من داشتن فرزند می‌تواند نوعی ایستادگی در برابر ناامیدی باشد و امیدی تازه در دل خانواده‌ها ایجاد کند.

خود من هم در یک خانواده پرجمعیت متولد شدم. مادرم ۱۱ فرزند به دنیا آورد. البته پدر و مادرم امروز در قید حیات نیستند، اما همیشه علاقه و محبت آنها به داشتن فرزند و خانواده پرجمعیت را به یاد دارم. همیشه با خودم می‌گفتم ای کاش حضرت آقا در نماز شبشان پدر و مادرم را هم دعا کنند؛ چراکه شنیده بودم ایشان فرموده بودند هر کسی که برای فرزندآوری تلاش کند، مشمول دعای نماز شب من می‌شود.

من خودم فرزند دهم خانواده هستم و تجربه زندگی در یک خانواده پرجمعیت، داشتن خواهر و برادرهای زیاد و آن فضای پر از ارتباط و محبت، برایم تجربه‌ای بسیار شیرین و ارزشمند بوده است. به نظرم بودن در چنین خانواده‌ای، به انسان انگیزه، انرژی و نشاط بیشتری می‌دهد و باعث می‌شود آدم احساس پویایی و امید بیشتری در زندگی داشته باشد.